

## فراخوان برای بزرگداشت سی امین سالگرد قیام آمل

پنج بهمن مصادف با سی‌امین سالگرد قیام مسلحانه سریداران در آمل است. این قیام اوج مبارزه مسلحانه ای بود که تحت رهبری **اتحادیه کمونیست‌های ایران** برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در پاییز سال 1360 در جنگل‌های آمل آغاز شد و پس از شکست عملیات مرکزی آن در شهر آمل (قیام آمل) تا اسفند 1361 ادامه یافت. حزب ما همه رفقای کمونیست در داخل و خارج از کشور بخصوص نسل جوان جنبش کمونیستی را فرا می‌خواند که بدین مناسبت از طریق ابتکار عمل‌های گوناگون قیام آمل را معرفی و بررسی کرده و سی‌امین سالگرد آن را تبدیل به کارزاری سیاسی کنند برای خلق افکار به حول ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی بدست مردم برای استقرار دولت و جامعه ای بنیادا متفاوت - جامعه سوسیالیستی.

ما از همگان دعوت می‌کنیم که ما را یاری دهند تا هر چه گسترده‌تر این کارزار به پیش رود. از کلیه رفقای که به سازماندهی این قیام یاری رسانند می‌خواهیم تا با بیان خاطرات خود درس‌های این قیام دلاورانه را فراگیر کنند.

ما از همه کسانی که خاطراتی از این قیام یا رفقای جانباخته دارند می‌خواهیم که با بیان آن نسل جوان امروز را با سنت‌ها و سنت شکنی‌های انقلابی نسل قبلی آشنا کنند.

قیام آمل متعلق به همه‌ی انقلابیون بویژه جنبش کمونیستی ایران است و برجسته کردن درس‌های آن در شرایط خطیر کنونی اهمیت فراوانی دارد.

اتحادیه کمونیست‌ها در آن مقطع عمیقا باور داشت که اگر با ایستادگی تا به آخر بورژوازی همه جانبه‌ی ضد انقلاب درهم شکسته نشود، جامعه به قهقرا خواهد رفت - و این حقیقت در سی سال گذشته به تلخی ثابت شد. در آن دوره اتحادیه کمونیست‌ها در برابر کوچک بودن قوای خود و «عدم آمادگی» در بسیاری زمینه‌ها سر فرود نیاورد، مایوس نشد و انفعال پیشه نکرد. برعکس به همه کمونیست‌های ایران هشدار داد که «بزرگترین اشتباه در اوضاع خطیر کنونی این است که گروه‌هایی که جنبش کمونیستی ما را تشکیل می‌دهند، هنوز کاری نکرده، شکستی نخورده، پای انجام تکلیف تاریخی و بزرگی که شرایط و تاریخ در برابر آنها نهاده است نرفته، در خود فرو روند.» (1) در آن مقطع اتحادیه کمونیست‌ها با تکیه به شور و آگاهی و قهرمانی پیشروترین فرزندان پرولتاریا و خلق بر مشکلات فایق آمد و کاری بس عظیم را تدارک دید و نقطه عزیمت نوینی را در جنبش نوین کمونیستی ایران ثبت کرد.

رهبران و شرکت‌گندگان آن قیام نمی‌خواستند بدون مبارزه برای درهم‌شکستن ضد انقلاب، شکست را پذیرا شوند. آنان شکست خوردند اما میراث انقلابی ماندگاری برای نسل بعد، برجای گذاشتند.

مبارزه مسلحانه و قیام سریداران در آمل بیان اراده قدرتمند «نیروی کوچکی بود که می‌خواست وظیفه ای بزرگ بر دوش گیرد». با اعتقاد به این امر که «در شرایط مساعد و قابل انفجار سیاسی در یک جامعه به هیچ رو کوچکی و بزرگی یک نیروی انقلابی نمی‌تواند در تصمیم و عزم آن نیروی انقلابی برای تولید حریق انقلاب در آن شرایط نقشی تعیین کننده ایفا کند ... به عبارت دیگر نحوه برخورد و رفتار عوامل ذهنی محیط یعنی دسته‌ها و سازمان‌ها و رهبران آنها در این لحظات تعیین کننده می‌شود.» (2)

اتحادیه کمونیست‌ها مقهور نیروهای قدرتمند حاضر در صحنه و پیچیدگی‌های مبارزه طبقاتی در آن مقطع نشد. بدرستی بر ضعف‌ها و قوت‌های اردوی انقلاب و ضد انقلاب انگشت نهاد و ابتکار عمل مبارزاتی را در دست گرفت. بدون چنین ابتکار عمل‌هایی نمی‌توان از رهبری پرولتاریا بر پروسه انقلاب سخن راند. «کمونیست‌ها به عنوان وجدان بیدار طبقه پیشرو باید در پیشاپیش جنبش آزادی در کشور ما حرکت کنند و نه در دنباله آن و یا در انتظار حرکت دیگران، ولی پیشرو بودن در عمل است که می‌تواند و باید ثابت شود. به همین دلیل یک کمونیست قبل از آنکه درباره توانائی و آمادگی مادی خویش بیندیشد باید درباره وظیفه و نقش خویش اندیشه کند و پیشتازی خویش را مدلل سازد.» (3)

اتحادیه کمونیست‌ها بدرستی واقعیت ستبر موجود در شرایط سیاسی سال 1360 را که همه چیز را تابع تفنگ گردانیده بود دریافت و بر پایه این آموزه‌ی مائوتسه دون که «قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید» عمل کرد. هرچند اتحادیه کمونیست‌ها نتوانست در زمینه نظامی به روش صحیحی بجنگد و با اتخاذ استراتژی کسب پیروزی سریع، قبل از اینکه به توان کافی دست یابد درگیر نبرد تعیین کننده با دشمن شد و شکست خورد (4) اما در این شکست نیز درس‌های مهمی در زمینه تحلیل از جنگ و امور نظامی موجود است که باید آموخت.

تجربه مبارزه مسلحانه سریداران، تفاوت‌های پایه ای میان جنگ انقلابی/عادلانه با جنگ ارتجاعی/ناعادلانه را آشکار می‌کند. جنگ نه تنها ادامه سیاست است بلکه بازتاب آینده‌ای است که به مردم نویدش را می‌دهد. از سیاست‌های غالب بر هر جنگ و اصول هدایت کننده آن، خطوط جامعه آینده را می‌توان دید و تصویری حقیقی و عریان از برنامه سیاسی حاکم بر هر جنگی را دریافت. از روابط حاکم بر سازمان پیشبرنده‌ی جنگ یعنی ارتش می‌توان به اهداف سیاسی و ماهیت طبقاتی آن ارتش پی برد. چرا که هر ارتشی فشرده روابط سیاسی-اجتماعی و ارزش‌های جامعه ای است که برایش می‌جنگد.

تکیه سریداران بر نیروی خود و مردم برای تامین اسلحه، نان و اطلاعات و استقلال از قدرت‌های امپریالیستی، رابطه رفیقانه میان رهبران و فرماندهان نظامی با جنگندگان، برقراری مناسبات انقلابی با توده های وسیع، نهراسیدن از مرگ و سختی و از خود گذشتگی و فداکاری و در دست گرفتن تفنگ برای اینکه دیگر تفنگی در کار نباشد، بیان وفاداری سریداران به آرمان‌رهای بخش کمونیسم بود.

جنگ سربرداران جنگی انقلابی بود چرا که هدف خود را درهم شکستن ماشین دولتی ارتجاعی و نابودی قوای قهری دولت قرار داده بود و خواهان برقراری قدرت توده ای بود. بی جهت نبود که اتحادیه کمونیست‌ها در نقد روش‌های نظامی مجاهدین در آن مقطع تاریخی تاکید داشت: «خطاست اگر تصور شود عملیات انقلابی ترور و ضربت و بمب گذاری هائی که امروز در جبهه مخالفت انقلابی با حکومت کودتا رواج یافته میتواند بمنزله یک برنامه جنگی جدی برای انقلابیون تلقی گردد. این عملیات که بقول اجراء کنندگان آن جنبه ایدائی دارد واقعاً هم صرفاً دارای جنبه ایدائی است و تنها دشمن را ایداء میکند، حال آنکه یک برنامه‌ی جنگی واقعی در شرایط کنونی باید نابودی و نه ایدای دشمن را هدف قرار دهد. ... ارتقاء این نوع عملیات به سطح برنامه‌ی اصلی انقلابیون و تصور اینکه با این نوع عملیات میتوان پای حل مسئله قدرت رفت، یا دشمنان را به موقعیت تدافعی و خلق را به موقعیت تهاجمی کشاند، اشتباه آمیز است.» (5)

تجربه مبارزه مسلحانه و قیام سربرداران در آمل توشه‌ای است برای نبردهای عظیمی که پیش‌روی ما قرار دارد.

امروزه، شرایط جامعه به گونه‌ای است که تضادهای گوناگون منجمله میان دشمنان ما به شیوه قهری تعیین و تکلیف می‌شوند. طرح‌های جهانی و منطقه‌ای امپریالیسم امریکا و رویارویی احتمالی آنان با جمهوری اسلامی، وضعیت بحرانی منطقه خاورمیانه، رقابت‌های حاد درون جناح‌های مختلف حکومت، و حدت یابی تضاد مردم با جمهوری اسلامی همگی نشان از آن دارد که جامعه ما در آستانه تلاطمات سیاسی قدرتمندی قرار دارد که می‌تواند تبدیل به تلاطمات نظامی شود.

از یکسو، امپریالیست‌های اروپایی و امریکایی همراه با جناحی از جمهوری اسلامی (بخش‌هایی از جریان سین) که از قدرت بیرون رانده شده، جریان‌اتی مانند مجاهدین، سلطنت طلبان و دیگران بر طبل جنگ می‌کوبند و «آزاد سازی لیبی» را مدل قرار داده اند. و از سوی دیگر، ژنرال‌های جمهوری اسلامی با پشت‌گرمی به قدرت‌هائی دیگر چون چین و روسیه تهدید می‌کنند که جواب گلوله را با گلوله خواهند داد. در چنین وضعی که ممکنست جنگی ارتجاعی میان اینان درگیر شده و گریبان جامعه ما را بگیرد بالا بردن آگاهی مردم حیاتی است تا جنگ عادلانه و رهائی‌بخش را از جنگ ارتجاعی، راه را از بیراهه و دوست را از دشمن تمیز دهند و جامعه نوینی را که باید طالبش باشیم از نظم کهنه ای که امپریالیست‌ها، مرتجعین و وابستگان ریز و درشت آن وعده بازسازی اش را می‌دهند تشخیص دهند. فراگیر کردن تجربه و درس‌های قیام آمل می‌تواند نقش مهمی در این امر بازی کند.

قیام سربرداران کماکان فراخوانی است به کمونیست‌های ایران که از قلت نیرو و ضعف‌های خود مطلق نسانند و آماده شوند تا در گره‌گاهی که در پیش است وظیفه‌ی بزرگ تغییر انقلابی جامعه را بر دوش گیرند و با تکیه به درس‌های مثبت و منفی انقلابات پرولتری در قرن بیستم و همچنین تجربه تلخ شکست انقلاب ایران جرات صعود به قله‌ی پیروزی را بخود دهند. در این راه پریچ و خطیر خاطره رفقای جانباخته‌مان الهام بخش ما بوده و در ترانه سرودهای مان زمزمه خواهد شد.

**حزب کمونیست ایران (مارکسیست \_ لنینیست \_ مائوئیست)**  
**پنج بهمن 1390**

**آدرس تارنما [www.sarbedaran.org](http://www.sarbedaran.org)**  
**آدرس پستی postfach 900211, 51112 koln, Germany**  
**پست الکترونیکی [Haghighat@sarbedaran.org](mailto:Haghighat@sarbedaran.org)**

#### منابع

- 1 - به نقل از نشریه حقیقت شماره 139، شهریور 1360 مقاله یادداشت سیاسی روز
- 2 - به نقل از حقیقت شماره 141 مهر ماه 1360 مقاله آیا هیچگاه نیروی کوچک می‌تواند وظیفه ای بزرگ را بر دوش گیرد؟
- 3 - همانجا
- 4 - برای جمع‌بندی همه جانبه از قیام آمل و درس‌های مثبت و منفی آن در زمینه سیاسی و نظامی به کتاب پرنده نوپرواز از انتشارات حزب ما رجوع کنید. این کتاب در سایت سربرداران قابل دسترس است.
- 5 - به نقل از حقیقت شماره 139، شهریور 1360 مقاله یادداشت سیاسی روز